

به قلم فرانک مور
ترجمه از فریدون موخوف

یک بعلاوه یک بعلاوه یک. مساوی است با یک

از کتاب الهیات قهوه‌خانه

اما عیسی چون تعمیدیافت، فور از آب برآمد که در ساعت آسمان بر وی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده، بر وی می‌آید. آنگاه خطابی از آسمان در رسید که «این است پسر حبیب من که از او خوشنودم.

متی ۳: ۱۶ - ۱۷

«پس رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم آب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید.»

متی ۲۸: ۱۹

در خلال تعمید عیسی همه اعضای تثلیث اقدس در یکجا حضور داشتند. عیسی در رود اردن ایستاد؛ پدر از آسمان سخن گفت؛ و روح‌القدس به شکل کبوتری نزول کرده، بر شانه عیسی قرار گرفت. سالیان زیادی طول کشید تا کلیسای اولیه بتواند از رابطه بین سه عضو تثلیث اقدس سردرآورد. کتابمقدس گرچه واژه «تثلیث» را بکار نمی‌برد، لیکن اشعار بر آن دارد که هر سه، خدای واحد هستند.

حقیقتی که در هر زبان تشریح می‌شود

کتابمقدس در مخالفت با پرستش خدایان بسیار از جانب بت‌پرستان، به وضوح از یک خدای حقیقی سخن می‌راند. تثنیه ۶: ۴ می‌گوید: «ای اسرائیل بشنو، یهوه، خدای ما، یهوه واحد است.» در عین حال باور این مطلب را تعلیم می‌دهد که پدر، پسر، و روح‌القدس همه خدا هستند. این چگونه ممکن است؟

برخی از اساتید الهیات در تلاش به جهت فهمانیدن مطلب تثلیث، بر این عقیده هستند که خدا واقعا به شکل تثلیث نیست، لیکن خود را بدین طریق عرضه می‌دارد تا بتوانیم نقشه نجات او را بفهمیم و با او مشارکت داشته باشیم. این ایده چنین می‌نماید که گویی خدا گارگردان نمایش عروسکی است و جهت بازگویی یک داستان، از چند عروسک و صدا استفاده می‌کند. از این رو

هم خود را به ما به سه طریق نشان می‌دهد تا بر فهم ما بیفزاید. لیکن این تئوری ادامه داده و می‌گوید که زمانی که به آسمان رویم، در آنجا تنها با یک خدای یکپارچه روبرو خواهیم بود. مشکل این عقیده در این است که کتابمقدس مطلب تثلیث را به عنوان واقعیتهای ضروری عرضه می‌دارد نه مطلبی که صرفاً بخاطر محدودیت درکی ما صورت می‌پذیرد.

دیگر متألّهین جهت حل این مشکل بر این باور هستند که خدای واحد، در حین کار در دنیای ما، سه نام مختلف پدر، پسر، و روح‌القدس را به خود می‌گیرد. خدای پدر خدای عهد عتیق بود. خدا در اولین کریسمس به عنوان مسیح، پسر خدا به زمین آمد. بعد از صعود و بازگشت عیسی به آسمان، خدا به شکل روح‌القدس به زمین بازگشت. در این عقیده خدا به عنوان شخصی واحد در نمایشی یکنفره عرضه می‌شود که جهت بازی کردن نقش چند فرد مختلف، لباس خود را عوض می‌کند. مشکل بزرگ این تئوری در این است که در زمان تعمید عیسی (متی ۳: ۱۶ - ۱۷)، در عملکرد قدرت معجزه‌گر عیسی (۱۲: ۲۵ - ۳۰) و آخرین سخنان عیسی به شاگردان (یوحنا ۱۴: ۱ - ۱۶: ۳۳) خدای پدر، پسر، و روح‌القدس، هر سه حضور دارند. پولس رسول در انتهای مکتوب دوم خود به قرنیتیان به کار هر سه اشاره دارد: « فیض عیسی خداوند و محبت خدا و شراکت روح‌القدس با جمیع شما باد. آمین.» (۱۳: ۱۴)

اولوهیت پدر در سراسر کتابمقدس به آسانی استوار می‌گردد و بر آن سوآلی نیست (تثنیه ۶: ۴ - ۵، اقرنتیان ۸: ۴). اولوهیت عیسی مسیح نیز در فیلیپیان ۲: ۵ - ۱۱ و عبرانیان ۱: ۱ - ۱۰ استوار می‌گردد. در اینجا به ما یادآوری می‌گردد که «تا به نام عیسی هر زانویی از آنچه در آسمان و بر زمین وزیر زمین است خم شود، و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح، خداوند است برای تمجید خدای پدر.» (فیلیپیان ۲: ۱۰ و ۱۱). علاوه بر آن، با این سخن نیز روبرو می‌گردیم که پسر «فروغ جلالش و خاتم جوهرش بوده.» (عبرانیان ۱: ۳)

به اولوهیت روح‌القدس تلویحاً به چند طریق اشاره می‌گردد. او ما را ملزم نموده و نسبت به خطایی که بخاطر گناهانمان داریم، محکوم می‌نماید، ما را به صالحیت می‌کشانند و از داوری آینده به ما هشدار می‌دهد (یوحنا ۱۶: ۸). به ما تولد تازه عطا می‌کند (۳: ۵ - ۶). بدن ما معبد روح‌القدس است که در ما ساکن می‌شود (اقرنتیان ۳: ۱۶ - ۱۷، ۶: ۱۹ - ۲۰). تنها خداست که می‌تواند از عهده چنین کارهایی برآید. علاوه بر آن، زمانی که پطرس، حنانیا و سفیره را در امر فروش ملک خود به فریب و دروغ متهم کرد، ابتدا به آنها خاطر نشان نمود که به روح‌القدس دروغ گفته‌اند و سپس به آنها گفت که به خدا دروغ گفته‌اند (اعمال ۵: ۳ - ۴). پطرس بدین طریق روح‌القدس را با خدا برابر شمرد.

بدین ترتیب کتابمقدس ما را به حضور خدایی واحد می‌آورد که در سه شخص خود را نمایان می‌سازد؛ پدر، پسر، و روح‌القدس. انجیل متی با مأموریت بزرگ به پایان می‌رسد. مأموریت ما این است که دنیا را بشارت دهیم. در همان مأموریت، عیسی می‌فرماید که ما باید ایمانداران جدید را «به نام پدر، پسر، و روح‌القدس» تعمید دهیم (متی ۲۸: ۱۹). هر سه اولوهیت دارند. جان و سلی در مورد این آیه می‌گوید: «شخص ایماندار بدین شکل وفاداری خود را به هر سه شخص تثلیث قول می‌دهد. نجات فرد مسیحی به توسط فیض، رحمت و محبت پدر؛ مرگ قربانی‌وار پسر؛ و عمل پاک‌کنندگی و قدرت‌بخش روح‌القدس صورت می‌پذیرد.»

در تفکر خود نسبت به تثلیث، ما را لازم است که این تفکر را ابتدا با وحدت و یکپارچگی خدا شروع کنیم. خدا وجودی واحد است. در درک این حقیقت، گاهی مفید می‌نماید که در ذهن سه شخص را با یک جوهر و طبیعت و وجود تصور کنیم. اگر روی واژه «سه» بیش از اندازه تأکید کنیم، مسلماً ذهن ما گرایش به آن خواهد داشت که بر سه خدای متمایز از هم متمرکز شود. و اگر بیش از اندازه روی واژه «یک» تأکید کنیم، در آن صورت در ذهن ما تصویر خدایی واحد نقش خواهد بست که نقشهای مختلف پدر و پسر و روح‌القدس را به خود می‌گیرد. هر دو این افراط ما را به اشتباه خواهد کشانید. درست همانطور که عنوان این فصل می‌گوید: «یک بعلاوه یک بعلاوه یک مساوی است با یک!» اگر چنین چیزی را به معلم ریاضی خود می‌گفتیم، مسلماً ما را به فلک می‌بست. این عبارت از نظر ریاضی غلط است ولی در مورد خدا، حقیقت بزرگی است، حتی اگر به نظر منطقی هم نرسد. این یکی دیگر از آن چیزهایی است که فیوز ما را می‌پراند!

کتابهای الهیات در بیان تثلیث به سرعت دست از بیان برداشته و به تصاویر و تمثیل پناه می‌برند. «سی. اس. لوئیس» تثلیث را به مثابه مکعب تصویر می‌کند که علیرغم داشتن شش سطح، کالبدی واحد دارد. زمانی که می‌خواهیم تثلیث را تصویر کنیم، حقیقتاً از کلام باز می‌مانیم. «فردریک باختر» آن را چنین تشبیه می‌کند که انگار در آینه نگاه کنی. درون کسی که در آینه منعکس است، تنها بر شخص شما معلوم است، لیکن تصویری که در آن دیده می‌شود، به دیگران. و قدرتی نامرئی در شما هست که آن شخص درونی را با دیگران در میان گذارید و بدینوسیله مردم از حقیقت شما و اینکه واقعا کی هستید، آگاه گردند.

بگذارید چند تمثیل دیگر به شما عرضه کنم. هیچکدام از آنها کامل نیست، لیکن هر کدام ما را در درک این مطلب به نحوی کمک می‌کند. برخی از آنها بر تمایز فیزیکی بیشتر تأکید دارد و برخی دیگر بر تفاوت‌های روانی.

۱- یک تخم‌مرغ از سه عنصر ساخته شده است: زرده، سفیده، پوسته.

۲- یک اتم شامل یک نوترون، یک پروتون، و یک الکترون است.

- ۳- هر فرد دارای یک بدن، یک جان، و یک روح است.
- ۴- آب می‌تواند شکل جامد (یخ)، گاز (بخار)، و مایع به خود گیرد.
- ۵- من در یک زمان هم پسر هستم، هم شوهر و هم پدر.
- ۶- کیک توت‌فرنگی در داخل از شیریه واحد پر است و می‌تواند به سه قسمت تقسیم گردد.

استفاده از این حقیقت جهت اغنای زندگی تان

ایده خدای تثلیث در زندگی روزمره چه تفاوتی ایجاد می‌کند؟ اول، در دعا. مردم در عهد عتیق به همان خدایی که ما دعا می‌کنیم، دعا می‌کردند. ولی به شکل مستقیم آنطور که ما تحت پوشش عهد جدید داریم، به او دسترسی نداشتند. ایماداران عهد عتیق از طریق کاهن با خدا ارتباط برقرار می‌کردند. کاهن بین انسان و خدا به همان شکل میانجیگری می‌کرد که وکیل مدافع در دادگاه از موکل خود به عمل می‌آورد. تنها یک کاهن، آنهم کاهن اعظم، به حضور خداوند در قسمت قدس‌الاقداس خیمه و یا معبد داخل می‌شد. قدس‌الاقداس اتاق مخصوصی در مقابل قدس بود که در آنجا خدا با انسان ملاقات می‌کرد. کاهن اعظم تنها سالی یکبار به حضور خداوند می‌آمد. تمامی این جریان بیشتر رسمی و غیر شخصی بود. افراد معمولی مثل من و شما از دوستی با خدا بهره‌مند نمی‌شدند.

حیات، مرگ و رستاخیز عیسی مسیح تمامی آنها را عوض کرد. زمانی که عیسی مرد، پرده‌ای که قدس‌الاقداس را از بقیه مقدس جدا می‌کرد، از بالا به پایین دو تکه شد (متی ۲۷: ۵۱). ما اکنون به شکل مستقیم به حضور خدا دسترسی داریم. دیگر لزومی نیست که بین ما خدا کاهنی انسانی میانجی گردد.

حال زمانی که درخواستی را به حضور خدا می‌آوریم، روح‌القدس با روح ما ایجاد ارتباط می‌کند (رومیان ۸: ۲۶) و درخواستهای ما را به حضور عیسی مسیح می‌برد. عیسی میانجی ما نزد خداست، برای همین هم هست که دعاهای خود را «در نام عیسی مسیح» تمام می‌کنیم (۱ تیموتائوس ۲: ۵). او کاهن اعظم، و طریق مستقیم ما جهت دسترسی به خداست (عبرانیان ۴: ۱۴ - ۵: ۱۰). تمامی رابطه ما با خدا هر سه عضو تثلیث اقدس را شامل می‌گردد. درست همانطور که «فردریک باختر» بیان می‌دارد: «او خدایی است در ماورای ما، میان ما، و در درون ما. ما هر روز توسط خدای پدر، پسر، و روح‌القدس برکت می‌یابیم.»

فلاصه

- ۱- ما مسیحیان خدای واحد را می‌پرستیم.
- ۲- در عین حال این خدای واحد، سه شخص می‌باشد: پدر، پسر، و روح القدس
- ۳- هر سه عضو تثلیث اقدس در دنیای ما و در نجات شخصی ما با هم کار می‌کنند.
- ۴- احتیاج نداریم که جهت تجربه کردن این راز، آن را تشریح کنیم.

دعا

خداوندا، گرچه در این حیات نخواهم توانست از رازی که تو را در خود گرفته است، سر درآورم، ولی کمکم کن که که واقعیت مشارکت با تو را به شکلی کامل تجربه کنم.